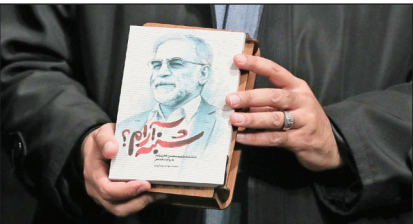


یاد

روایتی از شهید فخری زاده در «شنبه آرام»

عشق، علاقه و جهاد دو نفره

نقش همسران شهدا در مبارزات سیاسی و دوران دفاع مقدس از موضوعات کمتر پرداخته شده در زندگی نامه شهداست. کتاب «شنبه آرام» اثر محمدمهدی بهداروند، با نگاهی به زندگی شهید محسن فخری زاده به روایت همسر این شهید در فرزند شهید در مراسم رونمایی این کتاب درباره زندگی مشترک و نقش مادرش در دوران دفاع مقدس و اداره زندگی در نبود پدر می گوید: «زندگی مشترک پدر و مادر در دهه ۶۰ آغاز شد. پدر جوان ۲۰ساله‌ای که هنوز در رشته کارشناسی هم فارغ التحصیل نشده بود. در جریان زندگی پر فراز و نشیب سال‌های دفاع مقدس در جبهه کردستان، نقش همسر شهید در اداره زندگی پررنگ بود. هم‌ا‌ما از ادواج‌شان گذشته بود که مادر همراه پدر به کردستان می‌رود. پدرم نظر خاصی درباره کردستان داشت و می‌گفت در جبهه کردستان نیاز به کار فرهنگی سیاسی داریم نه نظامی. تقریباً از حول و حوش سال ۷۸بود که نخستین جریان تروریستی با هدف از بین بردن پدر اتفاق می‌افتد. از آن زمان به بعد جو خانواده به‌شدت امنیتی شد. هر روز صبح وقتی پدر بیرون می‌رفت، معلوم نبود شب چه زمانی برمی‌گردد. مادر به‌گونه‌ای عمل می‌کرد که پدرم بدون دغدغه کارها را پیش ببرد. پدرم به او می‌گفت من تمام موفقیت‌هایم را مدیون تو هستم.»



کتاب

خبر
<div>سومین جشنواره سالگرد سردار شهید سلیمانی</div>

هم‌زمان با سومین سالگرد شهادت علمداران بزرگ جبهه مقاومت سرداران رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، از بزنی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در بغداد، مسابقه و جشنواره ادبی و فرهنگی با عنوان «هربان پیروزی و قهرمانان مبارزه با تروریسم جهانی» در ۳م‌محور ادبی، هنری و رسانه‌ای برگزار می‌کند.

شرکت کنندگان می‌توانند آثار خود را با الهام گرفتن از راهی که این دو شهید مقاومت تسریع کرده‌اند، ارائه کنند. عنوانین ارائه تولیدات فرهنگی و ادبی در این جشنواره شامل «زندگی شهدای مقاومت و قهرمانان مبارزه با تروریسم جهانی»، «پیام شهدای مقاومت در پیروزی حق و دفاع از حقوق مظلومان» و «نقش شهدای مقاومت در نشر فرهنگ مقاومت و شهادت» است.علاقه‌مندان برای شرکت در این جشنواره می‌توانند آثار تولیدی خود را به شماره واتساب و تلگرام ۰۰۹۶۴۷۳۲۰۱۴۱۹۱۵ ارسال کنند. وب‌سایت جشنواره هم از طریق نشانی اینترنتی qadahalnasr.com در دسترس علاقه‌مندان است و مهلت نهایی ارسال آثار ۳۰ دی‌ماه سال جاری خواهد بود. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به آدرس کانال جشنواره https://t.me/qadat_alnasser مراجعه کنید.

کتاب
<div>همه سیزده سالگی ام</div>

«همه سیزده سالگی‌ام» خاطرات اسیر آزاد شده ایرانی، مهدی طحانیان در عملیات آزادسازی خرمشهر است. طحانیان همراه ۲۰۰ زنده‌د دیگر عملیات را شروع کردند. همه ۲۰۰ زنده به شهادت رسیدند و تنها نوجوان ۱۲ ساله طحانیان اسیر شد.

گلستان جعفریان که آثارش در حوزه ادبیات پایداری بارها مورد تقدیر قرار گرفته‌است؛ این بار در کتاب «همه سیزده سالگی‌ام» و در ۱۸ فصل زندگی طحانیان را روایت کرد ده‌است. طحانیان، قبل از این بیشتر با داستان مصاحبه‌ها نکرده‌ش با خبرنگاران زن بی‌حجاب در زندان شناخته شده بود. در این کتاب خاطرات و اتفاقات لحظه به لحظه یک اسیر روایت شده؛ آرزاده‌ای که از ۱۳ سالگی به‌مدت ۷سال در زندان‌های عراق اسیر بود و در ۲۱ سالگی آزاد شد. در دوران جنگ، خبرنگاران عراقی و دیگر مخالفان جمهوری اسلامی ایران با هدف تبلیغ علیه ایران، با رزمندگان و اسیران کم‌سن مصاحبه‌هایی ترتیب می‌دادند تا تصویری از ایران نشان دهند که حکومت ایران کودک‌کآن و نوجوانان را به اجبار به جبهه جنگ می‌فرستد. طحانیان در دوره اسارتش با این سیاست مقابله کرد و هیچ مصاحبه‌ای با این عنوان انجام نداد. در قسمتی از کتاب می‌خوانیم: «جفت پاهایش تیز خورده بود. نمی‌توانست راه برود. اما کار عجیبی کرد. یک دفعه کف دست‌هایش را گذاشت زمین و پاهایش را برد بالا و شروع به راه رفتن کرد پاهایش در هوا بود و لخته‌های خون مثل تکه‌های چکر گوساله‌از زیر فانوسقماش می‌افتاد؛ زمین‌افرونده سریع به سمت ما دو نفر دوید و به عربی دستور آتش داد؛ یک دفعه چند سرباز عراقی در چشم به هم زدنی خشاب‌هایشان را در تن این تکاور شجاع خالی کردند؛ چند ثانیه بدن او میان زمین و هوا مثل یک ستون ماند. بعد از آن مانند یک پهلوان به خاک افتاد.»

ایتارومقاومت



عقاب تیزپرواز جبهه‌های جنگ

به یاد خلبان شهید احمد کشوری و دلآوری‌هایش در دوران دفاعمقدس

<div>گزارش</div>	<div>شهره کیانوش‌راد</div> <div>روزنامه‌نگار</div>
<div>شهید سهیلیان و شهید شیروی دانست و چه متواضعانه شهید شیروی گفت: «احمد استاد من بود. آرزویش این بود شاهد روزی باشد که آمریکایی‌ها از کنشورش رفته و بتواند زیر پرچم اسلام و ایران برای کنشورش خدمت کند.اسرائیلشکر شهید خلبان کشوری در طول چندماه قبل از شهادتش یکی از شجاع‌ترین خلبانان بود که بارها با پایگاه‌های نظامی دشمن را مورد هدف قرار داد و سرانجام عقاب تیز پرواز جبهه‌های جنگ، ۱۵ آذر ۱۳۵۹ پس از ۳ روز عملیات در منطقه ایلام به شهادت رسید. روز شهادت او به پاس رشادت‌های این خلبان تیزپرواز، در تقویم رسمی ایران «روز هوانیروز از تنش جمهوری اسلامی ایران» نام‌گرفت. هم‌زمان با سالروز شهادت شهید احمد کشوری، زندگی پرافتخار این خلبان،شجاع را از زبان همسر و هم‌زمانش مرور کرده‌ایم.</div>	

احمد کشوری، تیرماه۱۳۲۲در شهرستان فیروزکوه در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. خانواده کشوری اهل پروچرد و پدرش (غلامحسین)ژاندارم بود.شغل پدر ایجاب می‌کرد تااز شهری به شهر دیگر نقل مکان کنند.دوره کودکی احمد باشروع مأموریت پدر به شهر همدان دوره کودکی احمد با شروع مأموریت پدر به شهر کیاکلائی مازندران مصادف شد. زندگی در میان مردم خنجرم کیاکلا محوچ شد تا خانواده کشوری برای همیشه در این شهر شمالی ماندگار شوند. احمد تا پایان دوره متوسطه‌اربا موفقیت در کیاکلاو شهرستان بلبل سپری کرد و در کنار تحصیل با تشویق و همراهی مادرش به فعالیت‌های هنری از قبیل نقاشی، خطاطی و صنایع دستی می‌پرداخت به‌طوری‌که یک‌بار در مسابقه طراحی کشور مقام نخست را کسب کرد.

عشق به پرواز

شرایط مالی خانواده او به‌گونه‌ای نبود که بتواند از پس هزینه‌های دانشگاه برآید. برای همین پس از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۵۱در آموزشگاه خلبانی هوانیروز ثبت‌نام کرد و توانست بدون خلبانی‌چرزایل (هلی کوپتر) کبری رادر اصفهان به‌مدت یک‌سال‌و نیم با موفقیت سپری کند. سپس به‌مدت همامه دوره پیادانظام را در شیراز طی کرد و به اصفهان بازگشت. احمد کشوری که بعد از پایان دوره دبیرستان و قبولی در امتحان افسری هوانیروز، به خواستگاری دختردایی خود، شیرین سیلاخوری رفته بود، در اسفند سال ۱۳۵۵با او دواج کرد؛ ازدواجی که به گفته سیلاخوری در کمال سادگی و بدون تشریفات برگزار شد؛ «تنها خرید از دواج ما لباس و حلقه بود و مراسم ازدواج ما هم در خانه پدری ما برگزار شد. بعد از

معتقد بود اگر کار می‌کنید باید کار شما مسیر خدایی داشته باشد.امیر سر لشکر خلبان شهید احمد کشوری

چه در زمان رژیم شاهنشاهی و چه بعد از انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، هیچ‌گاه از یاد خدا و پرداختن به مسائل مذهبی غافل نبود. ثمره تلاش‌های شبانه‌روزی او را می‌توان در پرورش عقیدتی شیروردانی چون کنشورش رفته و بتواند زیر پرچم اسلام و ایران برای کنشورش خدمت کند.اسرائیلشکر شهید خلبان کشوری در طول چندماه قبل از شهادتش یکی از شجاع‌ترین خلبانان بود که بارها با پایگاه‌های نظامی دشمن را مورد هدف قرار داد و سرانجام عقاب تیز پرواز جبهه‌های جنگ، ۱۵ آذر ۱۳۵۹ پس از ۳ روز عملیات در منطقه ایلام به شهادت رسید. روز شهادت او به پاس رشادت‌های این خلبان تیزپرواز، در تقویم رسمی ایران «روز هوانیروز از تنش جمهوری اسلامی ایران» نام‌گرفت. هم‌زمان با سالروز شهادت شهید احمد کشوری، زندگی پرافتخار این خلبان،شجاع را از زبان همسر و هم‌زمانش مرور کرده‌ایم.

از دواج به کرمانشاه، محل خدمت شهید کشوری رفتیم.» شهید احمد کشوری قبل از انقلاب اسلامی، اهل پروچرد و پدرش (غلامحسین) ژاندارم بود. شغل پدر ایجاب می‌کرد تا از شهری به شهر دیگر نقل مکان کنند. دوره کودکی احمد با شروع مأموریت پدر به شهر کیاکلائی مازندران مصادف شد. زندگی مشترک با شهید خنجرم کیاکلا محوچ شد تا خانواده کشوری برای همیشه در این شهر شمالی ماندگار شوند. احمد تا پایان دوره متوسطه‌اربا موفقیت در کیاکلاو شهرستان بلبل سپری کرد و در کنار تحصیل با تشویق و همراهی مادرش به فعالیت‌های هنری از قبیل نقاشی، خطاطی و صنایع دستی می‌پرداخت به‌طوری‌که یک‌بار در مسابقه طراحی کشور مقام نخست را کسب کرد.

عشق به پرواز
شرایط مالی خانواده او به‌گونه‌ای نبود که بتواند از پس هزینه‌های دانشگاه برآید. برای همین پس از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۵۱در آموزشگاه خلبانی هوانیروز ثبت‌نام کرد و توانست بدون خلبانی‌چرزایل (هلی کوپتر) کبری رادر اصفهان به‌مدت یک‌سال‌و نیم با موفقیت سپری کند. سپس به‌مدت همامه دوره پیادانظام را در شیراز طی کرد و به اصفهان بازگشت. احمد کشوری که بعد از پایان دوره دبیرستان و قبولی در امتحان افسری هوانیروز، به خواستگاری دختردایی خود، شیرین سیلاخوری رفته بود، در اسفند سال ۱۳۵۵با او دواج کرد؛ ازدواجی که به گفته سیلاخوری در کمال سادگی و بدون تشریفات برگزار شد؛ «تنها خرید از دواج ما لباس و حلقه بود و مراسم ازدواج ما هم در خانه پدری ما برگزار شد. بعد از

فرماندهی عملیات هوانیروز

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی حوادث یک‌ساز شروع شد، هدایت نامنی‌های ایجادشده توسط ضدانقلاب ناراحت بود. شهید ولی‌الله فلاخی می‌گفت: «من ششبی برای انجام مأموریت سختی در کردستان دواطلب خواستم و هنوز سخنانم تمام نشده بود که جوانی از صف بیرون آمد. دیدم کشوری است. او از همان آغاز چنان از خود کیاست، لیاقت و شجاعت نشان داد که وصفناکردنی است.» ۳ خرداد ۱۳۵۹ پس از آنکه در یک عملیات ضربتی چادر مهمات و ۲تانک دشمن را در منطقه سقر منهدم کرد، هلی کوپتر او مورد اصابت قرار گرفت. بازویش زخمی شد و چند ترکش به گردن و سینه‌او اصابت کرد. با

<div>معرفی کتاب</div>	<div>روایت‌های کوتاه و دلنشین از شهید کشوری</div>
<div>کتاب «چای آخر» نوشته مسعود آب آذری، براساس زندگی پرافتخار شهید سر لشکر خلبان احمد کشوری نوشته شده است. در این کتاب که توسط انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجاچاپ شده می‌توانید روایت‌هایی کوتاه و دلنشین درباره زندگی شهید را به نقل از خانواده، دوستان، همکلاسی‌ها، هم‌دوره‌ای‌ها و هم‌زمان شهید بخوانید.برخشی از این کتاب می‌خوانیم:</div>	

وجود آنکه حالش بسیار وخیم بود با تلاش و شهادت بسیار مانع از سقوط چرخ‌بال شد و آن را در پایگاه سقر به زمین نشاند. پس از چند عمل جراحی که این بهبودی نسبی یافت، اما ترکش داخل سینه‌وی خارج نشده بود که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد. شهیر روز ۲۵۹ ۱۳۵۹ برای انجام مأموریت‌های حساس به منطقه ایلام اعزام شد و در آنجا فرماندهی عملیات هوانیروز را به‌عهده گرفت.

شهادت در مسیر الهی

کشوری ۲۰ روز قبل از شهادت به تهران مراجعت کرد و همسر و ۲ فرزندش مریم ۳ساله و علی ۳ماهه را با خود به ایلام برد. در این‌باره به همسرش گفت: «دل‌می‌خواه‌این چند روز آخر عمر کنارم باشید.» خلبان احمد کشوری سرانجام در روز شنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۹ پس از ۳ روز عملیات در منطقه ایلام با ۴فروند هواپیمای عراقی درگیر شد. هلی کوپتر او با اصابت موشک سقوط کرد و به درجه رفیع شهادت رسید. پیکر او پس از تشییع بسیار باشکوه در بهشت‌زهر(اس) در تهران به خاک سپرده شد. سیلاخوری، همسر شهید کشوری می‌گوید: «احمد معتقد بود اگر کار می‌کنید باید کار شما مسیر خدایی داشته باشد. مطمئن هستم اگر شهدا و شهید احمد دوباره به گردن بازهم به همان مسیر خود می‌روند و خانواده شهدا هم حاضر هستند در این راه از عزیزیان خود بگذرند.» مادر شهید احمد کشوری هنگام خاکسپاری فرزندش، بر سر مرز فرزند او یخت و فریاد زد: «احسنت پسر م، احسن.»

<div>دستگیری از نیازمندان</div>	<div>امیر این‌ار سمت چپ به آنها بپوش بریدیم و هر بار از جناحی دیگر، باشکار ادوات، دشمن را ز منگی‌کردیم و خسارات و تلفات زیادی به آنان وارد ساختیم. جانب اینکه بعد از پایان این عملیات، راه‌بو عراق اعلام کرد که در منطقه چنگوله نیروهای ما عراقی‌ها) با هوشاری به‌موقع، ۱۲فروند بالگرد ایرانی را مورد هدف قرار دادند که تمامی آنها سرنگون شده‌اند. در صورتی که نیروهای خودشان در کمال غافلگیری و عجز، تاوان سختی را دادند. بارها تصور این عملیات و مصاحبه‌احمد از تلویزیون پخش شد که گفته بود: این موفقیت حاصل تلاش همه اعضای گروه‌اعم از فنی، سوختر سنان، خلبان و بود. ماظر فر آرزو گذشته بیش از ۴۰تانک دشمن را کاملاً نابود کردیم. این تعداد آنها‌یی است که کاملاً نابود کردیم. جز تعدادی که نیم‌سوخته شده‌اند و این شوقی نیست.»</div>
--	--

<div>بهارستان</div>	<div>شهر قدس</div>
----------------------------	--------------------

۴- نمایش «فرمانده»/ کارگردان: مبین ملکی /اسلامشهر
۵- نمایش «رخت شور»/ کارگردان: فاطمه زارع /اسلامشهر
شهر قدس
۶- نمایش «رخت شور»/ کارگردان: تر گل آقایی /اسلامشهر

۷- نمایش «رخت شور»/ کارگردان: سارا رحیمی /بهارستان
۸- نمایش «لیلا»/ کارگردان: الماسی /بهارستان

۹- نمایش «طوبی»/ کارگردان: هداوند خانی /ورامین
۱۰- نمایش «سروهای همیشه ناز»/ کارگردان: ندا اثابتی /پردیس

۱۱- نمایش «سر»/ کارگردان: مهدی آرش /شهر قدس
۱۲- نمایش «رخت‌شور»/ کارگردان: مرتضی پرهیز گار /

همیشه‌ی

یادداشت

سردار محمدقاسم ناظر*

جنگی برای آینده

آینده امری موهوم نیست بلکه محصول تدبیر امروز و تجربه دیروز است. تجربه دیروز ما هم‌راه با انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده است و تدبیر و عقلانیت امروز‌مان حاصل امتداد و تعمیق همان تجارب در حوزه مقاومت و پایداری؛ پس بپراه نیست اگر انتظارمان از آینده روشن و امیدوارانه باشد، برخلاف آنچه عموماً از رسانه‌های بیگانه و شبکه‌های اجتماعی به گوش می‌رسد، ایران حداقل در سال‌های اخیر روندی رو به‌رشد همراه با عقلانیت داشته است، حر کتی که حول محور ولی‌فقیه و با همراهی همیشگی مردم شکل گرفته و اختلالی که گاه و بیگاه با پمپاژ تبلیغاتی غرب به‌وقوع می‌پیوندد، حکایت بدنه جامعه ایران نیست و نخواهد بود. هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنیم که پس از فتوحات گسترده‌ای که منتهی به فتح خرمشهر شد، چگونه ریشه‌های یأس و تردید از سمت حامیان داخلی و خارجی صدام در جان و دل مردم دوانده می‌شد اما مردم انقلابی بی‌هیچ توجهی راه خود را رفتند و واقعیات میدانی را تسلیم موهومات تبلیغاتی نکردند، چراکه آینده را می‌دیدند و برای آینده می‌جنگیدند. تأکیدات رهبر معظم انقلاب برای جهاد تبیین می‌تواند اشار‌ای به همین معنا داشته باشد که تسلیم پرگویی‌هایی که مکرراً ازآندان مردم‌را به گروگان می‌گیرند تاامروز را از دیروز و فردا منقطع کنند نشد و حقیقت امر را که معمولاً از چشم‌ها پنهان است شناخت و به دیگران نیز معرفی کرد، آنگاه است که خواهیم دید مردم غالباً در برابر حقیقت رفتاری متواضعانه خواهند داشت. اما حقیقت امر چیست؟ حقیقت، ایرانی است که ۴۰سال اجماع جهانی و تحریم و تهدید و حمله نظامی و اقتصادی و فرهنگی، نه‌تنها نتوانسته زمینگیرش کند بلکه اراده‌اش را در راهی که با انقلاب اسلامی انتخاب کرده و با دفاع‌مقدس بر آن اصرار ورزیده مستحکم‌تر کرده است. حقیقت جوان‌هایی هستند که روز گاری در مقابل تمام ندای استکبار و نمایندگان یحیی حزب بعث ایستاده بودند و حالا راه پیشرفت در علم و فناوری را پی گرفته‌اند. حقیقت زنانی هستند که اگر صحبت دفاع از اسلام و ایران به میان بیاید جوانان‌شان را به سنگ‌های مبارزه خواهند فرستاد. حقیقت همه‌چیزهایی است که نمایان پیشرفت ایران و مخالفان صدور انقلاب اسلامی چشم بر آن بسته‌اند و حریمانه می‌خواهند ملت ایران را نیز از دیدن آن محروم کنند. اما با این همه، آینده برای کسانی است که به پشتوانه‌های تاریخی‌شان تکیه می‌کنند و از مسیر پرخطر آینده ترسی به دل راه نمی‌دهند. وضعیت امروز ما نیازمند چله‌ای برای تبیین تجربه‌های تاریخی و گشایشی است که پای در فرآیدی پر امید و روشن دارد.

◀مدیرعامل موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس

خبر
<div>حمایت از طرح‌های پژوهشی دانشجویان در حوزه ایثار اجتماعی</div>

مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان‌های استان تهران در مراسم تکریم از دانشجویان نخبه و سرآمد بر حمایت از طرح‌های پژوهشی دانشجویان در حوزه ایثار اجتماعی از ترویج و توسعه فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت تأکید کرد.

عباسعلی رضایی در ادامه گفت: «مقام معظم رهبری بارها از دوران ۸ سال دفاع مقدس به‌عنوان یک گنجینه نفیس یاد کردند و امروز یک وظیفه مهم صاحبان قلم و اندیشه و شما دانشجویان تبیین همین حماسه‌ها و نمونه‌های ایثار اجتماعی در کشور و در بین نسل نوجوان و جوان جامعه است. مجموعه بنیاد از طرح‌های پژوهشی و مرتبط با ایثار اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه حمایت می‌کند.» رضایی در ادامه نقش ستاد شاهد دانشجویی را در پایش و ارتقای وضعیت تحصیلی دانشجویان مهم برشمرد و گفت:«احیای نقش ستاد شاهد در پیگیری امور مربوط به دانشجویان ایثارگر باید پیش‌از گذشته و با جدیت دنبال شود و این مهم در دستور کار است.»مدیر کل بنیاد شهرت‌شان‌های استان تهران در پایان با قدر دانی از تلاش دانشجویان ایثارگر در عرصه‌های مختلف علمی، پژوهشی و فرهنگی کشور بر حرکت در مسیر شهیدان و تحقق بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه علم و فناوری در کشور تأکید کرد.

کتاب
<div>این پسر من است</div>

«این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است. داستانی که به فراز و فرودهای مهم زندگی پدر و پسر ی افغانستانی با روایت یکی از روستاهای مهم زندگی در دوران جنگ تحمیلی و بسیار محروم منطقه رسیده‌ام. احمد در تک خانه‌ها را می‌زد و بیسته‌ها را تحویل می‌داد. فهمیدم این کار همیشگی اوست.»

کتاب
<div>این پسر من است</div>

کتاب «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است. داستانی که به فراز و فرودهای مهم زندگی پدر و پسر ی افغانستانی با روایت یکی از روستاهای مهم زندگی در دوران جنگ تحمیلی و بسیار محروم منطقه رسیده‌ام. احمد در تک خانه‌ها را می‌زد و بیسته‌ها را تحویل می‌داد. فهمیدم این کار همیشگی اوست.»
کتاب «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است. داستانی که به فراز و فرودهای مهم زندگی پدر و پسر ی افغانستانی با روایت یکی از روستاهای مهم زندگی در دوران جنگ تحمیلی و بسیار محروم منطقه رسیده‌ام. احمد در تک خانه‌ها را می‌زد و بیسته‌ها را تحویل می‌داد. فهمیدم این کار همیشگی اوست.»
کتاب «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است. داستانی که به فراز و فرودهای مهم زندگی پدر و پسر ی افغانستانی با روایت یکی از روستاهای مهم زندگی در دوران جنگ تحمیلی و بسیار محروم منطقه رسیده‌ام. احمد در تک خانه‌ها را می‌زد و بیسته‌ها را تحویل می‌داد. فهمیدم این کار همیشگی اوست.»
کتاب «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است. داستانی که به فراز و فرودهای مهم زندگی پدر و پسر ی افغانستانی با روایت یکی از روستاهای مهم زندگی در دوران جنگ تحمیلی و بسیار محروم منطقه رسیده‌ام. احمد در تک خانه‌ها را می‌زد و بیسته‌ها را تحویل می‌داد. فهمیدم این کار همیشگی اوست.»
کتاب «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است. داستانی که به فراز و فرودهای مهم زندگی پدر و پسر ی افغانستانی با روایت یکی از روستاهای مهم زندگی در دوران جنگ تحمیلی و بسیار محروم منطقه رسیده‌ام. احمد در تک خانه‌ها را می‌زد و بیسته‌ها را تحویل می‌داد. فهمیدم این کار همیشگی اوست.»

^[1] «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است

^[2] «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است

^[3] «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است

^[4] «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است

^[5] «این پسر من است» زندگی‌نامه مستند داستانی شهیدان «رسول جعفری» و «مهدی جعفری» است که از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است